

یادداشت

مادر ابرچالش‌ها

علی میرزاخانی

چند سالی است که در اقتصاد ایران صحبت از مشکلاتی است که از مرحله چالش عبور کرده و مشکل ابرچالش به خود گرفته‌اند. در یک سال اخیر اما به جای اینکه گامی به سمت حل ابرچالش‌ها برداشته شود، می‌توان از پدیده‌ای معکوس یعنی «تکثیر ابرچالش‌ها» سخن گفت. علت چیست؟ آیا راه‌حل این مساله، ترمیم کابینه و تغییر تیم اقتصادی است؟ فرضیه‌ای که علت تکثیر ابرچالش‌ها را مدیران ناتوان یا به طور کلی ضعف مدیریتی معرفی می‌کند طبیعی است که به پرسش فوق پاسخ مثبت بدهد و ترمیم کابینه را کلید عبور از ابرچالش‌ها بداند. اما واقعیت آن است که مشکل تکثیر ابرچالش‌ها صرفاً با ترمیم کابینه (که قطعاً فارغ از کم و کیف فعلی ضروری است) حل نخواهد شد؛ چرا که مشکلات مدیریتی ریشه در «متناع سیاست‌گذاری» دارد که خود معلول «بحران ثنوریک» است.

بحران ثنوریک باعث نداشتن نظام تصمیم‌گیری اقتصادی قادر نباشد روی اصول حکمرانی صحیح برای اداره اقتصاد کشور به اجماع برسد. منظور از این اجماع که خلأ آن به صورت آشفتگی سیاست‌گذاری متجلی شده است فراتر از راه‌حل‌های شکلی شبیه «راده‌واحد» بوده و به مفهوم «حدت‌نظری» است که پشتوانه ثنوریک لازم برای استخراج اصول حکمرانی اقتصادی را فراهم می‌کند. فقدان این اصول باعث امتناع سیاست‌گذاری و به تبع آن، بروز بحران در سیاست‌های اقتصادی اعم از سیاست ارزی، پولی، تجاری و مالی شده است و این بحران‌ها صرفاً با تغییر تیم اقتصادی قابل حل نیست.

تصوراتی از این قبیل که «تخصیص رانت ارزی باعث کاهش قیمت‌ها برای مصرف‌کننده می‌شود»، «بانرخ‌گذاری دولتی می‌توان تورم را مهار کرد»، «کاهش نرخ رسمی ارز، توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد»، «با ایجاد نقدینگی می‌توان تولید را تقویت کرد»، «نرخ دلار پس کوچه‌اهمیتی ندارد، بلکه نرخ رسمی دلار تعیین‌کننده است»، «در شرایط تورمی می‌توان مهرنرخ ارز را تثبیت کرد و هم جلوی شوکر را گرفت»، «هزینه تولید داخلی را می‌توان با بهیماز تورم بالا برد ولی قیمت‌ها را ثابت نگه داشت»، «نرخ ارز کنترل کرد و از این معادله متناقض، انتظار رشد تولید ملی داشت»، «حمله‌سفته‌بازانه به دلار را با دلار پاشی می‌توان علاج کرد»، «می‌توان هم سیاست‌گذاری فسادزا داشت و هم با فساد مبارزه کرد»، «همه و همه ریشه در بحران ثنوریک برای اداره اقتصاد کشور دارند. بدون پشتوانه ثنوریک نمی‌توان این تصورات غیر علمی را با سیاست‌گذاری‌های صحیح و منسجم جایگزین کرد تا ضمن تحقق اهداف ملی در اقتصاد یعنی کاهش تورم، افزایش فرصت‌های شغلی و رشد اقتصادی، امکان عبور از ابرچالش‌ها نیز فراهم آید. بنابراین، آنچه در اقتصاد ایران باعث تکثیر ابرچالش‌ها و ناکامی در حل ابرچالش‌های موجود شده است، ریشه در بحران ثنوریک دارد و این همان مادر ابرچالش‌هاست. این بحران نه تنها انکار می‌شود، بلکه با دیوار کشی ساده‌لوحانه بین حوزه اجرا و حوزه ثنوری، هر گونه ارتباط و پیوند میان این دو حوزه استهزا می‌شود؛ در حالی که مدیریت اجرایی بدون ریل سیاست‌گذاری و ریل سیاست‌گذاری بدون پشتوانه نظری غیر ممکن است. «جان مینارد کینز» اقتصاددان شهیر، درباره این دست‌نار مدیران اجرایی که به پشتوانه ثنوریک اعتقادی ندارند، جمله جالبی دارد. وی می‌گوید: مردان اجرایی که اثرپذیری خود را از ثنوری‌های اقتصاددانان انکار می‌کنند معمولاً برده فکری یک اقتصاددان متوفی هستند! واقعیت هم جز این نیست؛ چرا که همه تصورات غلطی که پیش‌تر برای اداره اقتصاد ذکر شد ریشه در ثنوری‌های غلط و منسوخ‌ی دارند که در آزمون عمل رد شده‌اند. بر همین اساس، دل بستن به گره گشایی از ابرچالش‌ها صرفاً با تغییر مدیران اجرایی خطاست؛ چرا که مهارت مدیران اجرایی حتی اگر از میان بهترین تکنوکرات‌ها هم انتخاب شوند برای مرحله پس‌اسیاست‌گذاری کاربرد دارد که در خلأ ثنوریک اصلاً امکان عبور از این مرحله وجود ندارد. تکنوکرات‌ها به دلیل نگاه مهندسی به مسائل اقتصادی، تصور می‌کنند یا وانمود می‌کنند که همه چالش‌ها و ابرچالش‌ها با راه‌حل‌های فنی و تکنیکی قابل حل است. این یک دام مهلک برای دولت‌هایی است که به مهارت‌های تکنیکی اعتماد می‌کنند و داستان‌های زیادی از زمین‌گیر شدن دولت‌ها به دلیل اعتماد به تکنوکرات‌هایی توان نقل کرد، بد نیست دولت روحانی تجربه دولت هاشمی را مرور کند که از اواخر دوره اول به تدریج از عالمان اقتصاد رو بگردان شد و به سمت تکنوکرات‌ها چرخید و مهر بالاترین ثنورم بعد از جنگ جهانی دوم را در کارنامه خود ثبت کرد.

بلای طلا



مهدی الیاسی، روزنامه‌نگار

کاسته شدن روزهانه از ارزش پول ملی در ماه‌های گذشته، بسیاری از ایرانیان را به یافتن راهی برای جلوگیری از کاهش مستمر ارزش سرمایه نقدی‌شان سوق داد. در میان تمام بازارهایی که برای این منظور مناسب به نظر می‌رسید، بازار دلار، سکه و طلا بیش از سایر بازارها مورد استقبال قرار گرفت. هجوم سیل آسا به این بازارها از یک سو موجب بروز رفتارهای غیر حرفه‌ای شد و از سوی دیگر، تمایلات سفته‌بازانه را به شدت گسترش داد. در مورد تلاطم بازار دلار و پیامدهای سوء آن در ماه‌های گذشته بسیار گفته شده اما به نظر می‌رسد تبعات جهش ناگهانی بهای سکه و طلا کمتر مورد توجه قرار گرفته است. موضوع افزایش بهای طلا و سکه در بسیاری از تحلیل‌ها به این نحو منعکس می‌شود که گویی

این دو، جزو کالاهای لوکس هستند که ارتباط ویژهای با زندگی روزانه شهروندان ندارند و این افزایش شدید قیمت هم موضوعی مربوط به حوزه اقتصاد کلان است. در این خصوص، توجه به این نکته ضروری است که اگرچه تحولات اقتصاد کلان پس از مدتی آثار منفی خود را در اقتصاد خرد و زندگی مردم نشان می‌دهد اما باید توجه داشت که طلا و سکه برخلاف تصورات رایج، الزاماً دو کالای سرمایه‌ای و قیمت آن، صرفاً امری مربوط به اقتصاد کلان نیست و در بسیاری از موارد در زندگی ایرانیان به عنوان کالای مصرفی و پر کاربرد، مورد استفاده قرار می‌گیرند. از این رو جهش قیمت طلا و سکه، هزینه‌های خانوار را افزایش داده است.

از دواج بدون طلا

طلا علاوه بر آن که به عنوان یک ابزار زینتی مورد استفاده ایرانی‌ها است در امر دواج به سنت

از دواج‌های ایرانی تبدیل شده است. برای مراسم عقد و عروسی حداقل خرید دو انگشتر به عنوان حلقه عقد، یک سرویس طلا (حداقل یک گردن‌بند معمولی) بخشی از هزینه‌های قطعی از دواج است. در سنت ایرانی، خرید دو حلقه و یک گردن‌بند، حداقلی‌ترین میزان مصرف طلا در مراسم ازدواج است که حذف شدنی نیست.

اگر چه به دلیل جهش شدید قیمت طلا، عده‌ای با راه‌اندازی کمپینی موسوم به «زدواج بدون طلا»، کوشیده‌اند این هزینه را از دوش جوانان و خانواده‌ها بردارند اما سنت اهدای انگشتر و گردن‌بند چنان در فرهنگ ازدواج ایرانی ریشه‌دار است که لااقل به این زودی‌ها زودنی نیست، کم‌این‌که در اغلب کشور‌های دنیا حذف نشده است. در نتیجه جهش فزاینده بهای طلا، هزینه‌های خانوارهای ایرانی را در ماه‌های گذشته به میزان قابل توجهی افزایش داده است. در این

طلا و سکه برخلاف تصورات رایج، الزاماً دو کالای سرمایه‌ای و قیمت آن، صرفاً امری مربوط به اقتصاد کلان نیست و در بسیاری از موارد در زندگی ایرانیان به عنوان کالای مصرفی و پر کاربرد، مورد استفاده قرار می‌گیرند. از این رو جهش قیمت طلا و سکه، هزینه‌های خانوار را افزایش داده است

میان تنها عروس و داماد نیستند که باید هزینه افزایش قیمت طلا را بپردازند بلکه اقوام درجه یک نیز که معمولاً باید طلا هدیه بدهند نیز در گیر گرانی بهای طلا هستند. **مهر به یا بد به قیمت سکه در زمان عقد محاسبه شود**

یکی دیگر از مشکلاتی که در ماه‌های گذشته دامن گیر بسیاری

از افراد شده، جهش ناگهانی قیمت سکه است. میزان طلاق در ایران در یک دهه گذشته سر صعودی به خود گرفته است و در سال‌های گذشته بسیاری از مردان به هنگام جدایی از همسرشان بنا به حکم دادگاه، پرداخت مهریه را که در ایران بنا به عرف کاملاً فراگیر، سکه طلا می‌باشد، به صورت تقسیط شده، پرداخت می‌کنند. تقسیط سکه و تعداد سکه پرداختی، بنا به شرایط و میزان توانگری مالی افراد، متفاوت است. مثلاً برای برخی ماهانه یک سکه، برای برخی ماهانه دو سکه، برای عده‌ای هر دو ماه یک سکه، بنا بر همین احکام دادگاه،

بسیاری از افراد از سال‌های گذشته در حال تامین و پراخت سکه به عنوان مهریه به همسر سابق‌شان هستند. اما از ابتدای امسال، بهای سکه رشد فزاینده داشت. ابتدا وارد کانال ۲ میلیون تومان شد و سپس ورود به کانال ۴ میلیون تومان و به جا گذاشتن رکورد ۷ و نیم میلیون تومان را در عرض چند ماه تجربه کرد. این مساله موجب ناتوانی بسیاری از مردانی شد که در طی سال‌ها و ماه‌های اخیر از همسرشان جدا شده بودند و اینک ناگهان باید هر ماه سکه را به قیمتی حداقل دو برابر سال گذشته از بازار خریداری و به عنوان مهریه پرداخت می‌کردند. از سوی دیگر بنا بر گزارش‌های واصله، افزایش قیمت سکه، انگیزه طلاق را در برخی از زنان افزایش داده است.

مجموع این مشکلات بود که حتی معصومه ابتکار، معاون رئیس جمهوری در امور زنان را نیز به موضع‌گیری واداشت. وی که به اقتضای جایگاه حقوقی‌اش باید مدافع زنان باشد، در گفت‌وگو با ایلنا، در یک موضع‌گیری منطقی بر لزوم محاسبه مهریه بر مبنای قیمت سکه زمان عقد تأکید کرد.

وی در خصوص موضوع تغییر برخی قوانین مهریه و تعدیل آن گفت: در مورد مهریه صحبت‌هایی

معصومه ابتکار:

ایده آل‌ترین سطح تغییر

قانون مهریه این است که

باید سکه به قیمت روزی

که مهریه تعیین می‌شود

(تاریخ عقد)، داده شود.

نباید تغییر قیمت سکه

بار سنگینی بر دوش

خانواده‌ها بگذارد. راهکار

منطقی تغییر قوانین مهریه

تعدیل آن است، چرا که

تغییر شد بد قیمت سکه

قابل محاسبه نیست

شده است، اما با این حال هنوز قانون تغییر نکرده است، به نظر من ایده آل‌ترین سطح تغییر قانون مهریه این است که باید سکه به قیمت روزی که مهریه تعیین می‌شود (تاریخ عقد)، داده شود. نباید تغییر قیمت سکه بار سنگینی بر دوش خانواده‌ها بگذارد. راهکار منطقی تغییر قوانین مهریه تعدیل آن است، چرا که تغییر شدید قیمت سکه قابل محاسبه نیست. نمی‌خواهم در مورد موضوع تنصیف اموال اظهار نظر کنم.

معصومه ابتکار در حالی‌به سنگینی بار مهریه بر دوش خانواده‌ها اشاره کرد که این فشار تنها بر دوش خانواده‌ها نیست. زیرا سکه یکی از هدیه‌های مرسوم ایرانی‌ها به هنگام حضور در مراسم ازدواج اقوام نزدیک و دوستان نیز به شمار می‌آید. به این دلیل، افزایش قیمت سکه تنها باری بر دوش افراد طلاق گرفته، نیافروده است بلکه بخش بزرگ‌تری از جامعه را نیز درگیر خود ساخته است. به نحوی که این روزها خبر دعوت شدن به یک مراسم عروسی، بیش از آن‌که شادی‌بخش باشد، برای بسیاری نگران‌کننده است. زیرا با توجه به قیمت طلا و سکه، هزینه حضور در یک جشن عروسی چند برابر شده است.



وی با بیان این‌که در صنعت برق، ایران علی‌رغم موضوع قیمت تکلیفی توانسته است نیازها را به هر شکل و با هر زحمت جوابگویی کرده باشد، اظهار کرد: انتظار من به عنوان مسئول وزارت نیرو این است که به ویژه در این دوره که برنامه وزارت نیرو بر اساس مدیریت توانان تولید و مصرف تعریف شده است، از همه ظرفیت‌ها برای برنامه مدیریت توانان عرضه و تقاضا استفاده شود.

اردکانیان خطاب به فعالان صنعت برق گفت: حتی در موضوع قیمت تکلیفی هم سهم عمده در حل شدن یا نشدن موضوع بر عهده ماست؛ آنچه تابستان سال گذشته در صنعت برق و آب گذشت و به عنوان کارنامه مثبت و قابل اعتنا ثبت شد و مورد تقدیر مردم و مسئولان قرار گرفت، تنها یک نمونه و مثال از توانمندی و مسئولیت‌مادر ارتباط با حل و فصل چنین مسایلی است.

برنامه‌های وزارت نیرو برای تامین برق سال آینده

وزیر نیرو گفت: از حدود سه ماه پیش برای

تامین برق سال آینده برنامه‌ریزی کرده‌ایم. ۲۵ نیروگاه حرارتی به ظرفیت ۵۲۰ مگاوات در دست تکمیل، ۶۵۰ مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر و ۲۰۰ نیروگاه آبی در دست ساخت است و ۳۰۰ مگاوات برنامه مدیریت مصرف را در نظر گرفته‌ایم. رضا اردکانیان در کنفرانس بین‌المللی برق در جمع خبرنگاران اظهار کرد: این ۳۰۰ مگاوات شامل ۱۱ زیربرنامه است: یکی از آن برنامه‌ها اصلاح مصرف است. ما مدیریت مصرف را مساوی اصلاح قیمت و تغییر تعرفه نمی‌دانیم؛ مثلاً ۱۵ میلیون لامپ را در دستگاه‌های دولتی و غیردولتی تعویض می‌کنیم؛ روشنایی معابر را به نحوی مدیریت کنیم که بدون هر گونه اختلال، برق کمتری مصرف شود.

وی ادامه داد: در اوج بار ۱۳۹۸، بخشی در ارتباط با شبکه‌های انتقال است که از حیث برنامه‌ریزی تفصیلی انجام شده و دنبال تامین منابع مالی لازم هستیم. سازمان برنامه همکاری خوبی را با ما شروع کرده است و سعی می‌کنیم از همه منابع موجود استفاده کنیم.

وزیر نیرو اظهار کرد: قطعاً از بخش خصوصی کمک می‌گیریم و نقش عمده‌ای دارد. در حال حاضر ۶۰ درصد برق تولیدی را بخش خصوصی تامین می‌کند و جزو لاینفک

تاثیر جهش قیمت طلا و سکه بر هزینه‌های خانوار